

این بنگاه‌ها را به که واگذار می‌کنید؟

برنامه هفتم توسعه، دستگاه‌های دولتی را ملزم به واگذاری بنگاه‌های اقتصادی خود کرده و از سوی دیگر سازمان‌های نظارتی در هنگام واگذاری‌ها نسبت به قیمت پایین لحاظ شده نقد دارند



مورد ماده پنجم برنامه هفتم توسعه (واگذاری اموال شرکت‌های تابعه صندوق‌ها) نیز قضیه همین است. در شش برنامه گذشته توسعه کشور، طبق اعلام رسمی خود مسئولان و نمایندگان مجلس، به زحمت در هر دوره بیست درصد برنامه اجرا شده است. »

وی می‌گوید: «در شرایط فعلی به مراتب دچار وضعیتی بغرنج‌تر از آن هستیم که حتی شرکت‌های عادی و بدون مشکل را بتوان واگذار کرد. اگر همین روند بحرانی اقتصاد ادامه یابد و به ثبات اقتصادی و سیاسی نرسیم، به هیچ وجه انتظار موفقیت در هیچ واگذاری نمی‌توان داشت.» عضوهای علمی دانشگاه شهید چمران اهواز با تاکید بر شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه که قدرت خرید را از بخش خصوصی می‌گیرد، تصریح می‌کند: «یک راه حل مطرح شده این است که مانند بسیاری از واگذاری‌های سابق، به نحوی سهام شرکت‌ها و مدیریت آن دست به دست شود. در واقع نهاد‌های این راه حل هم در عمل نشان داده که با سایر راه حل‌ها تفاوت خاصی ندارد و در نهایت صندوق‌ها مضرر خواهند شد. اگر دولت اصرار به فروش داشته باشد، به هر حال طبق قانون ساده عرضه و تقاضا، شرکت‌ها بسیار ارزان‌تر از ارزش واقعی‌شان فروخته می‌شوند. وقتی تقاضاکنندگان بسیار اندک هستند، قیمت هر سهمی در بازار سرمایه به شدت افت می‌کند. از این رو، نه دولت درآمدی به دست می‌آورد و نه صندوق‌ها!»

مجتبی حاجی‌زاده، دبیر اجرایی خانه کارگر آران و بیدگل و رئیس اتحادیه کارگران صنعت خودروسازی ایران، نیز دیگر کارشناسی است که واگذاری شرکت‌ها را به نوعی دور باطل می‌داند چرا که همواره دولت برای کاهش بدهی‌های خود اقدام به واگذاری شرکت‌ها و سهام آنها می‌کند.

وی در این باره می‌گوید: «تجربه دولت‌های نهم و دهم نشان داد که خصوصی سازی بی ضابطه چگونه منجر به از دست رفتن منابع ملی می‌شود. اکنون اگر همین مسیر برای سازمان تأمین اجتماعی نیز تکرار شود، با توجه به تعهد مالی سنگین این سازمان در هر ماه، فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر رقم خواهد خورد.»

صرف سرمایه‌گذاری‌های تولیدی جدید یا طرح‌های زیربنایی اشتغال‌زا کنند. مطمئن‌ترین منبع اصلی درآمد سازمان تأمین اجتماعی از اشتغال‌های جدید است. واحدی که به بهره‌برداری رسیده از آن پس ده‌ها سال ماهانه ۳۰ درصد حقوق و مزایای کارکنان را به حساب تأمین اجتماعی واریز می‌کند و یک درآمد قابل اتکا و پایدار است. سازمان تأمین اجتماعی باید از طریق شرکت‌های تحت پوشش خود، تعداد واحدهای تولیدی و شرکت‌های دارای اشتغال پایدار را افزون کند تا از این طریق مطمئن‌ترین و پایدارترین نوع درآمد برای خود ایجاد کند. تأمین اجتماعی از این طریق می‌تواند میلیون‌ها شغل جدید ایجاد کند و ماهانه بیش از ۱۰ همت درآمد پایدار مستمر داشته باشد. توسعه اشتغال منجر به کاهش هزینه‌های سازمان بابت بیمه بیکاری و سایر هزینه‌ها می‌شود و ضمن درآمدزایی، بار سنگینی از دوش دولت برداشته خواهد شد. با طرح فوق، سازمان تأمین اجتماعی از تصدی‌گری خارج و به موتور محرک اقتصاد کشور تبدیل می‌شود. با واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی، دولت از تصدی‌گری‌های بسیار پرهزینه نجات خواهد یافت؛ بنابراین ضرورت دارد تمامی زیرساخت‌های مدیریتی و اجرایی لازم جهت تحقق این طرح ملی توسط دولت و ساختارهای حاکمیت فراهم شود،

شرایط اقتصادی ویژه

مرتضی افقه، اقتصاددان و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز اما منتقد تعجیل در فرآیندهای واگذاری این بنگاه‌ها است و می‌گوید: «امروزه اصلاً شرایط واگذاری به نحوی که در برنامه هفتم توسعه در مورد اموال شرکت‌های دولتی و از جمله صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی آمده، وجود ندارد. البته باید این نکته را درباره قوانین برنامه هفتم توسعه در نظر داشت که ما معمولاً در کشور برنامه می‌نویسیم و عمل نمی‌کنیم! این را تاریخ تدوین و اجرای شش برنامه توسعه پیشین نیز گواهی می‌دهد.»

این کارشناس یادآور می‌شود: «برنامه‌ها اغلب اجرا نمی‌شوند یا شرایط اجرای آن‌ها وجود ندارد؛ در

سیدحسین میرافضلی؛ کارشناس انرژی از میان زیرمجموعه‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی را زیر ذره بین قرار داده و تأکید می‌کند: «چنانچه شرکت‌های زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی در پروژه‌های توسعه‌ای، زیربنایی و تولیدی سرمایه‌گذاری و پس از به بهره‌برداری رسیدن پروژه‌های تولیدی نسبت به فروش سهام از طریق بورس به مردم و سرمایه‌گذاران اقدام کنند، از محل درآمد حاصل از فروش سهام شرکت پروژه‌های به تولید رسیده قادر خواهند بود پروژه‌های بزرگ دیگری را سرمایه‌گذاری کنند و با این روند، سازمان تأمین اجتماعی طی چند سال به موتور محرک و پیشران اقتصاد و توسعه کشور تبدیل خواهد شد.»

وی ادامه می‌دهد: «فرض کنیم تأمین اجتماعی به‌طور غیرمستقیم در شرکتی ۳۴ درصد سهام مدیریتی دارد (به این ترتیب که تأمین اجتماعی ۸۵ درصد سهام شستا را دارد و شستا ۸۰ درصد سهام یکی از هلدینگ‌های بورسی را و آن هلدینگ ۵۱ درصد سهام یک شرکت تولیدی را)؛ حال چنانچه شرکتی در یک پروژه تولیدی اشتغال‌زا سرمایه‌گذاری کند، سهم تأمین اجتماعی در تأمین منابع مالی پروژه ۳۴ درصد می‌شود که البته ۷۰ درصد آن نیز وام‌های بلندمدت ارزی و ریالی خواهد بود. یعنی عملاً حدود ۱۰ درصد منابع مالی تأمین اجتماعی درگیر پروژه می‌شود. مثلاً چنانچه پروژه ۲۰ هزار میلیارد تومانی با اشتغال‌زایی دو هزار نفری حین اجرا تعریف شود، سهم آورده تأمین اجتماعی دو هزار میلیارد تومان می‌شود که در حین اجرای طرح و قبل از بهره‌برداری بازگشت می‌شود.»

به گفته این کارشناس «ادامه سهامداری تأمین اجتماعی در شرکت‌های تولیدی به بهره‌برداری رسیده، به مفهوم راکد کردن سرمایه‌هایی است که می‌توانند ده‌ها واحد تولیدی جدید با ده‌ها هزار اشتغال جدید ایجاد کنند. شرکت‌های زیرمجموعه تأمین اجتماعی باید مکلف شوند حداکثر شش ماه تا یک سال پس از راه‌اندازی و تولید، سهام خود را در آن شرکت‌های تولیدی واگذار و منابع حاصله را

سال‌ها پیش رخشان بنی‌اعتماد، کارگردان سینما مستندی با عنوان «این فیلما رو به کی نشون می‌دین؟» ساخت؛ سرگذشت ساکنان یک محله تهران که قرار بود با تصمیم شهرداری به نقاط حاشیه شهر منتقل شوند. اسم فیلم هم برگرفته از دیالوگ یکی از همین ساکنان خطاب به کارگردان بود و این عبارت در سال‌های گذشته در موارد متعدد شبیه‌سازی و به کار گرفته شد تا به نوعی از همان ابتدای کار، نتیجه را یادآوری کند.

حالا در باره واگذاری بنگاه‌های وزارت کار و زیرمجموعه‌های آن از جمله سازمان تأمین اجتماعی و شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) نیز شاید بتوان از این عبارت وام گرفت. بر اساس قانون برنامه هفتم توسعه، دستگاه‌های دولتی مکلف به واگذاری بنگاه‌ها شده‌اند اما از سویی وضعیت اقتصادی کشور، میزان بهره‌وری و سودآوری این شرکت‌ها و فروش به قیمت آنها موانعی است که بر سر راه این واگذاری‌ها پیش آمده است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است بنگاه‌ها را در بازار سرمایه عرضه کند یا سهام خود را در شرکت‌ها کمتر کرده و به بخش خصوصی واگذار کند؛ واگذاری یا هر شکلی از مشارکت بخش خصوصی همیشه در ایران و همه کشورهای دنیا در معرض اتهام بوده و این شائبه را ایجاد کرده که این شرکت‌ها با فساد فروخته می‌شوند. چنین دیدگاهی در سالیان گذشته سبب شد بنگاه‌ها به جای واگذاری به بخش خصوصی به نهاد‌های عمومی غیر دولتی داده شوند.

بر اساس آمار اتاق بازرگانی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تبدیل به یکی از بزرگترین بنگاه‌دارهای ایران شده و بیش از ۶۰۰ شرکت و بسیاری از پیشرشا و موتورهای اقتصاد ایران در این وزارتخانه قرار گرفته حال آنکه وظیفه ذاتی وزارتخانه بنگاه داری نیست و تعداد بالای این شرکت‌ها وزارت کار را در انجام وظایف خود با مشکلاتی مواجه کرده است.

به عبارتی ۳۰ سال بنگاه‌های مختلف از دولت به وزارت کار منتقل شده و حال چنانچه واگذاری آنها در مهلت مقرر صورت نگیرد این وزارتخانه با مالیات‌های بسیار سنگینی مواجه می‌شود و مدیران متخلف پنج سال انفسال دائمی از خدمت می‌گیرند. این در حالیست که واگذاری بنگاه‌ها نیز با مشکلات متعدد همراه است.

راه دشوار واگذاری

احمد مدیری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی چندی پیش در این باره گفت: «اصلاح نظام بنگاهداری کار بسیار دشواری محسوب می‌شود. ما هر کدام از شرکت‌ها را که بخواهیم واگذار کنیم به دلیل بی‌ثباتی مدیران قیمتی بسیار پایین برای آن در نظر گرفته می‌شود و در نهایت ما به ارزان فروشی متهم می‌شویم.» وی همچنین به ماجرای واگذاری یکی از این شرکت‌ها اشاره کرده و یادآور شد: «ما حتی یکی از شرکت‌ها را بالاتر از ارزشی که در بورس اعلام شده بود برای واگذاری گذاشتیم اما از نهاد‌های نظارتی به ما اعلام شد که این رقم بسیار پایین است.»

حال از سویی شاهدیم که طی سالیان سال از سوی دولت و در ازای بدهی‌های معوق، شرکت‌هایی واگذار شده و از سوی دیگر به موجب قانون، دستگاه‌ها موظف به واگذاری این بنگاه‌ها هستند و در نهایت این سؤال پیش می‌آید که با چنین شرایطی قرار است این بنگاه‌ها به چه کسی و چگونه واگذار شوند؟ از سوی دیگر نگهداری این بنگاه‌ها نیز چالش‌های خاص خود را به همراه دارد.

میدری در این باره می‌گوید: «اگر می‌خواهیم اشتغال ایجاد کنیم، باید سیاست‌های کلان و بهتری داشته باشیم و باید از چیزی که خلق ثروت می‌کند یعنی بنگاه‌ها یا شرکت‌های اقتصادی حمایت کنیم. یک شرکتی مانند قطار رجا، ۵۰ درصد واگن‌هایش تعمیر نمی‌شوند و راکد می‌شوند و یا چوکا از ۱۰ هزار پرسنل به ۶۰۰ نفر می‌رسد یا وقتی کشش ملی از ۷ هزار و ۶۰۰ پرسنل به ۶۰۰ پرسنل می‌رسد، نشان می‌دهد که مدارهای اقتصادی ایران کند شده و به رکود رفته‌اند، از ناآرامدی که در این شرکت‌ها ایجاد شده است همه کشور آسیب می‌بیند. ما به دنبال این هستیم تا با واگذاری به بخش خصوصی، موتورهای اقتصاد ایران را فعال کنیم و بتوانیم هم حقوق کارگران و بازنشستگان را تأمین کنیم و هم اقتصاد ایران را به حرکت در آوریم.» با این وجود همانگونه که در سال‌های گذشته خصوصی سازی با اما و اگرها و انتقادات متعدد همراه بوده اکنون نیز درباره این واگذاری‌ها نقطه نظرات متعددی مطرح می‌شود. درباره روش‌های واگذاری نیز می‌توان به شکل فروش سهام، واگذاری مدیریت، واگذاری دارایی‌ها یا واگذاری به تعاونی‌ها عمل کرد اما هر یک از این موارد نیازمند کارشناسی دقیق است.

محبوبه نقره‌خامه

روزنامه نگار

یادداشت
O P I N I O N

عبدالوهاب سهل‌آبادی

رئیس خانه صمت ایران

تولید گرفتار بحران انرژی

بزرگ‌ترین مشکل امروز واحدهای تولیدی کشور، فراتر از فشارهای اقتصادی، قطعی‌های مکرر برق است که عملاً نیمی از ظرفیت تولید را از مدار خارج کرده و توان صنایع را محدود ساخته است. فعالان اقتصادی انتظار دارند درد دل‌های خود شنیده شود و تشکلهای صنعتی و مدیران واحدها بتوانند پیشنهادهای کارشناسی برای طراحی بسته‌های حمایتی ارائه دهند. همان گونه که تابستان‌ها صنایع با قطعی برق مواجه می‌شوند، زمستان نیز کمبود گاز مشکلات مشابهی ایجاد خواهد کرد و پیش‌بینی می‌شود سال جاری شدت این بحران از سال گذشته فراتر رود. تقریباً ۵۰ درصد کارخانه‌ها در این دوره از انرژی برق محروم هستند و اگرچه امکان تعیین دقیق خسارت هر واحد وجود ندارد، روشن است که حل این مسائل مستلزم کاهش تصدی‌گری دولت و بازتعریف نقش آن در اقتصاد است.

علاوه بر چالش‌های انرژی، کیفیت پایین مواد اولیه و کندی تأمین آن‌ها مانع تولید بهینه می‌شود. ماشین‌آلات صنعتی نیز اغلب قدیمی و ناکارآمد هستند و برخی تجهیزات مکانیکی به دهه ۱۹۷۰ میلادی بازمی‌گردند. طبیعی است که با چنین زیرساخت‌های کهنه نمی‌توان تولید بهینه و با راندمان بالا داشت. به‌روزرسانی ماشین‌آلات موجب کاهش مصرف انرژی، افزایش بهره‌وری و ارتقای کیفیت محصولات خواهد شد. تولید خودروهایی سواری و ماشین‌آلات راهسازی بدون تجهیزات پیشرفته امکان‌پذیر نیست و تولیدکنندگان داخلی توانمند هستند، اما محدودیت‌های تأمین قطعات و ماشین‌آلات، حتی در زمینه اجزای ساده، مانع تحقق ظرفیت واقعی آنها شده است.

راه‌حل اساسی برای ساماندهی این وضعیت، خروج دولت از فعالیت‌های تصدی و تمرکز بر تسهیلات اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است. بدون این اقدام، توسعه صنایع داخلی ممکن نخواهد بود و تولید در بسیاری از حوزه‌ها با محدودیت‌ها و مشکلات جدی مواجه باقی خواهد ماند. کمبود آب، چالش دیگری است که صنایع کشور را تهدید می‌کند. صنعت زنده به آب است و بدون آن، نه تنها بخش کشاورزی، بلکه بسیاری از صنایع کشور توان ادامه فعالیت را از دست می‌دهند. بحران منابع آبی، به ویژه در مناطق مرکزی کشور جدی است و عمده منابع موجود در اختیار صنایعی قرار گرفته‌اند که خود بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب هستند. بسیاری از این صنایع بدون توجه به ظرفیت‌های اقلیمی و زیستی ایجاد شده‌اند و اکنون توسعه یافته‌اند، بدون آنکه اصلاحی در سیاست‌های جانمایی و بهره‌برداری منابع صورت گرفته باشد.

استفاده مجدد از آب و بازچرخانی آن، هرچند آغاز شده، اما دیر هنگام و محدود است و نیازمند سرمایه‌گذاری گسترده، حمایت دولتی و فرهنگ‌سازی عمیق است. همچنین ضروری است ماشین‌آلات و فناوری‌هایی به کار گرفته شود که مصرف آب را به حداقل برسانند و صنعت کشور با تکنولوژی روز قادر به مدیریت بحران‌های قرن جدید شود. آب دیگر یک منبع ارزان و در دسترس نیست، بلکه سرمایه‌ای حیاتی و استراتژیک است و صنایع باید خود را با این واقعیت وفق دهند تا در رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی عقب‌نمانند.

نجات اقتصاد ایران

اداره می‌شوند و اقتصاد ایران را دچار مشکل کرده‌اند. او راه‌حل را در واگذاری مدیریتی دانسته و اجرای این راهکار را نیازمند همراهی نمایندگان مجلس، رسانه‌ها و کارگران برشمرده و تاکید دارد بدون این ائتلاف‌ها، هیچ تغییری سرعت نخواهد گرفت.

میدری می‌گوید: «اگر همه در کنار هم قرار بگیریم، می‌توانیم بنگاه‌ها را از وضعیت فعلی خارج کنیم، عدالت در روابط کار و تأمین اجتماعی برقرار کنیم و اقتصاد کشور را به حرکت درآوریم. وزارت کار باید از بنگاه‌داری‌ها شاد تا بتواند مأموریت اصلی خود یعنی حمایت از کارگران و توسعه مهارت را دنبال کند.»